

# مصائب پتروشیمی آبادان

کمبود منابع خوراک و وابستگی به پالایشگاه و پتروشیمی های مجاور، عملکرد تولیدی و چرخه ارزش صنعتی پتروشیمی آبادان را با مانع جدی مواجه ساخته است

یادداشت

O P I N I O N



حمیدرضا خلیلی

فعال حوزه نفت و انرژی

## راه توسعه در صنعت پتروشیمی ایران

در قلب اقتصاد ملی ایران، صنعت پتروشیمی جایگاه ویژه‌ای دارد، اما توان بالقوه این بخش برای ایجاد ارزش افزوده و گسترش صنایع پایین دستی هنوز به‌طور کامل محقق نشده است. بخش‌های تکمیلی مانند تولید پلیمرها، مشتقات متانول و مواد شیمیایی پیشرفته می‌توانند مسیر توسعه اقتصادی را تغییر دهند، اما واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که رشد ظرفیت تولید، هم‌زمان با افزایش درآمد ارزی نبوده است. در حالی که ظرفیت تولید تا حدود ۸۰ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ رسیده، درآمد صادرات تنها به ۲۳ میلیارد دلار محدود مانده، رقمی که با تولید ۴۳ میلیون تن در سال ۲۰۱۱ و درآمد ۲۱ میلیارد دلاری مقایسه شود، نشان‌دهنده کاهش ارزش افزوده و توسعه نامتوازن زنجیره تولید است. این وضعیت، کشور را بیش از پیش به صادرات مواد خام وابسته کرده و فرصت‌های اقتصادی بخش پایین دستی را از بین برده است. تحریم‌های بین‌المللی یکی از عوامل اصلی کندی توسعه صنایع تکمیلی هستند. محدودیت‌های بین‌المللی مانع دسترسی به فناوری‌های نوین، سرمایه‌گذاران خارجی و بازارهای جهانی شده است. بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای از جمله واحدهای تبدیل متانول به اولفین یا پروپیلن متوقف مانده یا نیمه‌کاره رها شده‌اند. در نتیجه، کاهش صادرات و از دست رفتن مشتریان خارجی تولیدکنندگان را به فروش مواد اولیه با ارزش پایین‌تر سوق داده و رکود سرمایه‌گذاری، افت رقابت‌پذیری و افزایش آسیب‌پذیری صنعت پتروشیمی را رقم زده است. سرمایه‌گذاری سنگین برای توسعه زنجیره ارزش ضروری است، اما کمبود منابع داخلی و محدودیت جذب سرمایه خارجی مانع تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه مانده است. رسیدن به ظرفیت اسمی ۱۳۱.۵ میلیون تن، نیازمند حدود ۲۴ میلیارد دلار سرمایه جدید است، در حالی که برخی پروژه‌ها بیش از یک میلیارد دلار سرمایه نیاز دارند. تمرکز دولت بر بخش‌های غیرمولد و کاهش بودجه تحقیق و توسعه موجب عقب‌ماندگی فناوری در صنایع پایین‌دستی شده است. کمبود خوراک، وابستگی به گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و فشار مصرف‌کنندگان نیز ظرفیت توسعه صنعتی را محدود کرده و کسری ۴۲ درصدی خوراک در سال ۲۰۲۳ نشان از ناکارآمدی مدیریت انرژی دارد.

مدیریت ناکارآمد انرژی و نبود سیاست‌های بلندمدت، همراه با ائتلاف ۴۰ درصدی گاز و برق، قاچاق سوخت روزانه و یارانه‌های سنگین، منابع مالی را از بخش تولید دور کرده و انگیزه اصلاح ساختار را کاهش داده است. ادامه تمرکز بر صادرات مواد خام، ضعف فناوری و تجهیزات فرسوده باعث کاهش سهم ایران در بازار جهانی شده و نوسانات قیمت جهانی و افزایش هزینه‌های داخلی رقابت‌پذیری محصولات ایرانی را محدود کرده است. مجموعه این عوامل، از تحریم‌ها و مشکلات ساختاری گرفته تا ضعف مدیریت و ناپایداری خوراک، توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی را کند کرده است. اصلاح سیاست‌های انرژی، جذب سرمایه خارجی، توسعه فناوری بومی و ارتقای بهره‌وری مدیریتی ضروری است تا پتروشیمی ایران به جایگاه واقعی خود در اقتصاد ملی و بازار جهانی دست یابد.

مهناز مهرداد

روزنامه نگار



▲ تصویری از پالایشگاه و پتروشیمی آبادان

پتروشیمی، صنعتی که همواره به‌عنوان یکی از سودآورترین بخش‌های اقتصاد کشور شناخته می‌شود، چگونه ممکن است در دل خود واحدی چون پتروشیمی آبادان را به تولید زیان گسترده بدل کند؛ پرسشی که سال‌هاست ذهن مدیران و کارشناسان را مشغول کرده است. این مجموعه طی سال‌های گذشته با ناسامانی‌های جدی مواجه بوده و حتی در دولت‌های قبلی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بارها به دلیل مشکلات آن مورد بازخواست قرار گرفته و گاه تهدید به استیضاح شده است. در هفته‌های اخیر نیز، چه در مجمع عمومی سالانه و چه در نشست خبری مدیرعامل شستا، وضعیت این مجتمع صنعتی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته و ابهامات گسترده‌ای درباره دلایل استمرار زیان‌دهی آن مطرح شده است.

### تاریخچه پتروشیمی آبادان

اواخر سال ۱۳۴۲، انستیتو نفت فرانسه مأمور شد تا با مطالعات جامع، مکان‌های مناسب برای ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران را شناسایی کند. این بررسی‌ها سرانجام منجر به تأسیس شرکت سهامی پتروشیمی آبادان شد؛ شرکتی با مشارکت ۷۴ درصد سهم شرکت ملی پتروشیمی و ۲۶ درصد سهم شرکت بی‌اف گودریچ آمریکا. عملیات ساختمانی مجتمع در سال ۱۳۴۶ توسط شرکت لاماس آمریکا آغاز و دو سال بعد، در ۱۳۴۸، رسماً به بهره‌برداری رسید و نخستین پتروشیمی ایران و خاورمیانه شکل گرفت. ضرورت ایجاد این مجتمع به دلیل کشف نفت توسط بریتانیا، استخراج گسترده آن و نیاز به جلوگیری از خام‌فروشی شکل گرفت. با تأسیس پالایشگاه آبادان و دسترسی به گازهای همراه نفت و منابع آب شیرین رودخانه اروند، آبادان بهترین گزینه برای احداث مجتمع پتروشیمی بود. بدین ترتیب، صنعتی

استراتژیک با ظرفیت تولید محصولات پایه مانند پی‌وی‌سی (PVC)، دودسیل بنزن (DDB) و سود کاستیک در قلب جنوب غرب ایران شکل گرفت. مجتمع پتروشیمی آبادان پس از انقلاب ۵۷ بدون وقفه فعالیت کرد، اما آغاز جنگ ایران و عراق و قرار گرفتن آبادان در مرز، آن را روزانه هدف حملات موشکی و راکتی قرار داد و عمل‌آویران شد. پس از پایان جنگ، در سال ۱۳۶۷، مهندسان و متخصصان داخلی عملیات بازسازی را آغاز کردند و توانستند مجتمع را مجدداً به چرخه تولید کشور بازگردانند.

در دهه ۹۰، پتروشیمی آبادان همچنان یکی از سودآورترین واحدهای کشور بود، اما با گذر زمان و به‌ویژه در سال‌های اخیر، با مشکلات متعدد مالی، مدیریتی و عملیاتی مواجه شد، به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۳ رکورد زیان این مجموعه شکسته شد. اکنون، با مالکیت مدیریتی بیش از ۵۳ درصدی شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو) و تلاش‌های دولت چهاردهم، پتروشیمی آبادان پس از دو سال تعطیلی آماده بازگشت به چرخه تولید و ورود دوباره به زنجیره ارزش صنعتی کشور است.

### بحران بدهی و کمبود خوراک

پتروشیمی آبادان، زمانی از سودآورترین صنایع کشور، امروز با بحرانی عمیق مواجه است. سال گذشته احمدی مدیری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرد که این مجموعه هر ماه ناچار به دریافت یک‌هزار و ۱۰۰ میلیارد ریال از سازمان بازنشستگی برای پرداخت حقوق بوده و زیان انباشته آن از سه همت فراتر رفته است. این وضعیت حتی پای وزیر وقت را به مجلس کشاند و موجب بازخواست مدیریتی شد. امید پجاری، مدیرعامل پیشین مجتمع، عقب‌ماندگی طرح‌های توسعه‌ای و عدم اتصال به خط اتیلن غرب را

از دلایل اصلی بحران برشمرد. وی تأکید کرد که اتیلن، حیاتی‌ترین ماده برای تولید در پتروشیمی‌ها است و فقدان آن، توان عملیاتی مجتمع را به شدت محدود کرده است.

به گفته او، تنها امید پتروشیمی آبادان تأمین خوراک پالایشگاه آبادان است، اما این پالایشگاه ظرفیت روزانه حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ تن دارد، در حالی که نیاز مجتمع ۲۵۰ تن است. منابع جایگزین، شامل نفت سنگین چاه‌های مسجدسلیمان، کیفیت خوراک را تغییر داده و امکان تأمین کامل نیاز روزانه را از بین برده است. این نابرابری بین ظرفیت تولید و تأمین خوراک، یکی از اصلی‌ترین عوامل زیان‌دهی و بحران مستمر پتروشیمی آبادان است و نشان می‌دهد اصلاح ساختار و تأمین منابع پایدار حیاتی است.

### معضل نیروی کار فرمایشی

اگرچه مشکلات فنی و تأمین خوراک در بحران پتروشیمی آبادان نقش داشته‌اند، اما حجم بالای نیروی انسانی و سوء مدیریت، از اصلی‌ترین عوامل تداوم زیان‌دهی این مجموعه است. احمد مدیری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سال گذشته تأکید کرد که سازمان تأمین اجتماعی باید ماهانه ۶۷ میلیارد تومان برای تأمین حقوق و هزینه‌های جاری این مجتمع پرداخت کند، رقمی که فشار مالی بر شرکت و بازنشستگان را دوچندان می‌کند. وزیر تعاون بهمن سال گذشته در نشست شورای اداری آبادان، شادگان و کارون خاطر نشان کرد که استخدام‌های بی‌رویه و غیر کارشناسی، یکی از عوامل اصلی ورشکستگی پتروشیمی آبادان است. وی افزود این روند، پیش‌تر در پتروشیمی امیرکبیر و پتروشیمی جم نیز تکرار شده و با کاهش سود و افزایش نیروی انسانی، شرکت‌ها را دچار بحران کرده است.

مدیری در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه خوزستان، کاهش تولید پتروشیمی آبادان از ۱۷ هزار تن به ۶۲ تن، یعنی یک‌سی‌ام ظرفیت، را نتیجه همزمان سوءمدیریت و افزایش نیروی انسانی دانست؛ پرسنل از ۴۰۰ نفر به ۱۳۰۰ نفر رسیده، در حالی که تولید به یک‌سی‌ام کاهش یافته است. او همچنین به فشارهای اجتماعی و الزام شرکت‌های سودآور نفت و فولاد برای جذب نیروی مازاد اشاره کرد و هشدار داد که این روند، پتروشیمی‌های سودآور را به کانون بحران تبدیل کرده است.

مدیری تأکید کرد این پتروشیمی، نگینی در دل صنعت کشور است و اصلاح شرایط آن ممکن است، اما سوال اساسی باقی می‌ماند که چه تضمینی وجود دارد که بار دیگر با تحمیل نیروی انسانی مازاد، مشکلات تکرار نشود. ادامه روند کاهش سودآوری و چشم‌پوشی از منافع ملی، نه تنها بحران داخلی پتروشیمی آبادان بلکه تهدیدی برای کل صنعت استان خوزستان است.

### چالش جدایی از پالایشگاه

منفک شدن پتروشیمی آبادان از پالایشگاه آبادان، یکی دیگر از عوامل کلیدی بحران این مجموعه است؛ موضوعی که در مجمع سالانه شستا نیز مورد تأکید اعضای هیأت مدیره قرار گرفت و توجه ناظران صنعتی را به خود جلب کرد. احمد مدیری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با اشاره به اهمیت زنجیره تولید در صنایع پتروشیمی توضیح داد: «وزارت نفت و پتروشیمی‌ها محصولات زنجیره‌ای دارند و ماده اولیه از پالایشگاه به پتروشیمی منتقل می‌شود. پتروشیمی آبادان در کنار پالایشگاه آبادان و پتروشیمی اروند سودآور است و در غیر این صورت، به دلیل اختلال در تأمین خوراک، توان سودآوری خود را از دست می‌دهد.» او افزود: تجربه گذشته نشان داده که رقابت پتروشیمی‌ها در بازار چین و کاهش قیمت‌ها بدون هماهنگی زنجیره‌ای، مشکلاتی جدی ایجاد می‌کند و اکنون پتروشیمی آبادان نیز در دریافت خوراک از پالایشگاه آبادان و پتروشیمی اروند دچار اختلال شده است.

با توجه به سیاست‌های برنامه هفتم توسعه و تصمیمات دولت چهاردهم، بحث واگذاری بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، مذاکرات متعددی با مسئولان وزارت نفت برگزار شد و گزینه‌های واگذاری پتروشیمی‌های زیرمجموعه تاپیکو به هلدینگ خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفت. در مقطعی نیز مطرح شد که پتروشیمی آبادان به پتروشیمی اروند واگذار شود و تغییرات مدیریتی و ورود مدیران اروند به این مجموعه در همین چارچوب ارزیابی شد.

سال گذشته وزیر کار با اشاره به بررسی کارشناسان هلدینگ خلیج فارس و شرکت ملی پتروشیمی اعلام کرد: «مطالعات نشان داد خرید پتروشیمی آبادان توسط هلدینگ خلیج فارس می‌تواند برای وزارت نفت سودآور باشد و تیمی برای پیگیری این موضوع مشخص شد.» این تصمیمات نشان می‌دهد که اصلاح ساختار و بازگرداندن پتروشیمی آبادان به زنجیره تولیدی و سودآور، نیازمند همکاری مدیریتی، رفع موانع تأمین خوراک و واگذاری‌های هوشمندانه است تا این نگیں صنعتی در دل جنوب غرب کشور بار دیگر جایگاه واقعی خود را باز یابد.



و همین موضوع مجتمع را زیان‌ده کرده است.»

علوی در تشریح تصمیمات اخذ شده برای پتروشیمی آبادان، اظهار کرد: «برای برون رفت از این شرایط طرحی چند مرحله‌ای دیده شده است. ابتدا باید واحدهای متوقف‌شده فعال شوند، سپس نوسازی تجهیزات فرسوده در دستور کار قرار گیرد و در نهایت با جذب سرمایه‌گذار و استفاده از خوراک‌های در دسترس منطقه، طرح‌های توسعه‌ای اجرا شود.»